انسان در عالم ذرّ: آراء و اقوال دانشمندان قرن ۱۴

محمّد بیابانی اسکویی*

چکیده: معرفت خدا در عالم ذرّ و اقرار بر معرفت، در آیات و روایات مطرح شده و اندیشمندان بزرگ در این مورد سخن گفته‌اند. در این نوشتار، نظریه‌های پنج تن از دانشمندان قرن ۱۴ با دیدگاههای مختلف، نقل و نقد و بررسی شده است: سیّد حبیب‌الله خویی، میرزا مهدی اصفهانی، سیّد عبدالحسین شرف‌الدین، شیخ مجتبی قزوینی، علّامه عبدالحسین امینی.

کلید واژه: عالم ذرّ / معرفت خدا / میثاق بر ولایت / عالم ارواح / عالم ذرّ ـ شبهه‌ها و پاسخها / تقدّم خلقت روح بر بدن / دانشمندان شیعه ـ قرن ۱۴.

اشاره

پیش از این، بحث عالم ذرّ براساس آیات و روایات (سفینه، شماره‌های ۱۹ـ۲۱) مطرح شد و آراء و اقوال دانشمندان قرون چهارم تا سیزدهم، نقل و نقد و بررسی

*. محقّق و مدرّس، حوزهٔ علمیّهٔ قم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

شد. (سفینه، ش ۲۲) در این گفتار، نظریّات پنج تن از دانشمندان قرن چهاردهم در این زمینه، مورد بررسی قرار می‌گیرد. (مجله سفینه)

۱. میر حبیب الله خویی (م ۱۳۲۴ هـق)

ایشان اقوال مختلفی در معنای معرفت آورده و آخرین معنا را «ادراک دوم بعد از فراموشی» دانسته و نقل کرده است که گفته شده این قول مشهورترین قولها در معنای معرفت است. پس از آن می‌گوید:

أقول: و على هذا فاستعمال المعرفة في المقام، نظراً إلى سبق إدراك ذاته سبحانه في عالم الذّر، أو عند أخذ الميثاق من العقول المجرّدة. (۳: ج ۱، ص ۳۱۸)

می‌گوییم: بر این اساس، به کارگیریِ معرفت در اینجا، به پیشینهٔ ادراک ذات خدای سبحانه در عالم ذرّ، یا به هنگام اخذ میثاق از عقول مجرّده نظر دارد.

ایشان در جای دیگر به تفصیل، به بحث از عالم ذرّ پرداخته و ابتدا تفسیر مشهور را آورده که مطابق احادیث عالم ذرّ است. وی این تفسیر را به اکثر مفسّران اهل اثر نسبت داده و متذکّر شده است که محقّقان این تفسیر را به سبب اشکالات متعدّدی ردّ کرده‌اند. سپس اشکالات سیّد مرتضی را بر آن یادآور شده و نظریهٔ وی را در این‌باره مطرح کرده است.

به اعتقاد وی، تفسیر مشهور و نظریهٔ سیّد مرتضی، هیچ‌یک با آیه مطابقت کامل ندارد و تصریح می‌کند که مخالفت نظریهٔ سیّد مرتضی با ظاهر آیه، بیشتر از تفسیر مشهور است. پس از آن می‌گوید:

أمّا إنكار أصل هذه القضيّة والحكم باستحالته بما ذكره من دليل العقل، فلاوجه له. و لايعبأ بالدليل المذكور ـ قبال الأخبار الكثيرة ـ تفسير الآية به أيضاً... (۳: ج ۲، ص ۱۴۷)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

امّا انکار اصل وجود عالم ذرّ و حکم به محال بودنِ آن، به سبب دلیل عقلی که ذکر کرده است، هیچ وجهی ندارد. و آن دلیل ـ در مقابل روایات متواتر که وجود آن را می‌رساند ـ قابل اعتنا نیست؛ بلکه در روایات فراوانی آیه به عالم ذرّ نیز تفسیر شده است.

ایشان روایات عالم ذرّ را متواتر و غیر قابل ردّ دانسته و تصریح می‌کند که روایات زیادی نیز آیه را عالم ذرّ تفسیر کرده‌اند. از این بیان، استفاده می‌شود که هرچند ایشان در ابتدای بحث، تفسیر مشهور را با ظاهر آیه در اختلاف می‌دید، امّا در نهایت به این نکته می‌رسد که بر اساس روایات، معنای آیه همان است.

۲. میرزا مهدی اصفهانی (۱۳۶۵هق)

میرزای اصفهانی معتقد است که انسان، از روح و بدن ترکیب یافته است. روح و بدن هر دو مادّی‌اند. علم، عقل، قدرت، حیات و سایر کمالات نوری از ناحیهٔ خدای تعالی به روح و بدن افاضه می‌شود. پس روح انسان، عین علم و قدرت و حیات نیست تا مجرّد به معنای اصطلاحی باشد. مادّی بودن روح، بدان معنا نیست که روح هم مانند بدن با حواسّ ظاهری قابل درک باشد؛ زیرا مادّی بودن با قابل درک بودن به حواسّ بدنی مساوی نیست.

ایشان تصریح می‌کند که بر اساس روایات، روح پیش از بدن خلق شده و بعد از خلق، بدن به آن تعلّق گرفته است. بدن نیز در عالم ذرّ به صورت ذرّی موجود شده، روح در عالم ذرّ به آن تعلّق گرفته و بعد از تعلّق، از او جدا نشده و همواره با بدن است. انسان مرکّب از روح و بدن در اصلاب و ارحام جاری می‌شود تا اینکه به صورت نطفه، از صلب آخرین پدر به رحم آخرین مادر وارد می‌شود و بعد از چهار ماه، روح العقل و الحیاة به او افاضه می‌شود و بعد از سپری کردن دوران جنینی، از رحم به دنیا می‌آید.

انسان در تمام این مدّت، میثاقی را که در عالم ارواح و ذرّ، بر استوار ماندن بر آن،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

با خدای تعالی بسته بود، به یاد دارد و از آن غافل نیست. این میثاق شامل اعتقاد و تسلیم در مقابل دستورهای خدا، اطاعت از اولیای الاهی و اعتقاد به ربوبیّت و توحید خداوند متعال، نبوّت پیامبران، ولایت و وصایت اوصیای الاهی است. امّا به هنگام ورود انسان به دنیا، خدای تعالی به عمد، میثاق مذکور را از یاد او می‌برد و پیامبران و اوصیای ایشان را جهت یادآوری آن عهد و پیمان و ملزم ساختن بندگان به آن، به سوی آنان می‌فرستد. امّا برخورد انسانها با دعوت پیامبران، مختلف است. از آنجا که این دنیا محل امتحان و تکلیف است، خدای تعالی نیز به آنها مهلت می‌دهد و در مقابل اعمال و کردار ناشایست‌شان، بلافاصله، اخذشان نمی‌کند. این همه برای آن است که حجّت بر آنها به صورت کامل‌تر و روشن‌تر تمام گردد و شبهه‌ای در آنچه خدای تعالی در حق بندگان انجام داده و خواهد داد، برای احدی باقی نماند. ایشان در این زمینه می‌نویسد:

لایخفی ما في الآیة الشریفة[1] من التصریح علی أخذ ذرّیّة جمیع بني آدم حیث قال: ﴿وَ إِذ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ﴾ و لم یقل: «من آدم من ظهره ذرّیّته»، حتّی یکون موهماً باختصاصه بأولاد خصوص آدم... و عمدة الشبهة ـ کما نصّ علیه الشیخ ـ شبهة التناسخ، و هو مبنيّ علی توهّم أنّ الأبدان الذرّیّة غیر تلك الأبدان، فإنّ التناسخ هو تعلّق الأرواح ببدن آخر. و الأخبار ناصّة ببطلان هذا الاحتمال و أنّ هذه الأبدان عین تلك الأبدان، و أنّ الإنسان خُلِق من قبل في مرتبة الذَّرِّیّة و له روح قدیمة، و بهذا الروح ینتقل في الأصلاب و الأرحام. غایة الأمر أنّه في المرتبة الّتي قدّر الله خروجه عن رحم، ینمو بالتغذیة. و ما یتغذّی و ینمو به، خارج عن حقیقته.

(۱: ص ۱۵۹)

۱. منظور آیهٔ ذرّ است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

آیهٔ شریفه به روشنی، صراحت دارد که خداوند متعال، ذرّیّهٔ همهٔ فرزندان آدم علیه‌السلام را اخذ کرده است؛ زیرا فرمود: «و یادآور آن‌گاه را که خداوندگارت از پشت فرزندان آدم، ذرّیّهٔ آنها را گرفت.» خداوند نفرمود: «از پشت آدم ذرّیّهٔ او را گرفت»، تا توهّم نشود که اخذ به خصوص اولاد آدم علیه‌السلام اختصاص دارد...

شبههٔ اساسی دربارهٔ عالم ذرّ ـ همان‌طور که مرحوم شیخ (مفید) به صراحت گفته ـ شبههٔ تناسخ است و اساس آن بر این توهّم استوار شده که بدنهای ذرّی، غیر از این ابدانِ دنیوی هستند؛ زیرا تناسخ عبارت از تعلّق ارواح به بدن دیگر است که روایات به صراحت، این احتمال را ردّ می‌کند و می‌رساند که این بدنها عین همان بدنهای ذرّی هستند. این روایات، همچنین، دلالت دارد که انسان پیش از این در مرتبهٔ ذرّی خلق شده است و روح قدیم دارد و با همان روح قدیم در صلبها و رحمها جریان پیدا می‌کند.

البتّه بدن دنیوی در مرتبه‌ای صورت می‌گیرد که خدای تعالی می‌خواهد او را به دنیا بیاورد که با تغذیه، رشد می‌کند. و آنچه تغذیه می‌کند و مقداری که رشد می‌کند، از اصل بدن حقیقی او خارج است. بدن دنیوی از این دیدگاه با بدن ذرّی تفاوت دارد.

۳. سیّد عبدالحسین شرف‌الدین (م ۱۳۷۷هـق)

مرحوم شرف‌الدین، آیه ذرّ را از قبیل تمثیل گرفته و برای معنای ظاهری آن واقعیّتی قائل نیست؛ یعنی وجود عالمی به عنوان عالم ذرّ، بیرون کشیدن فرزندان آدم از پشت او وگرفتن عهد و پیمان از آنها را ـ به صورت واقعی و خارجیِ آن ـ قبول ندارد. او در معنای آیه می‌گوید:

«و» اذکر، یا محمّد! للناس ما قد واثقوا الله علیه بلسان حالهم التکوینيّ من الإیمان و الشهادة له بالربوبیّة؛ و ذلك «إذ أخذ ربك» أي: حیث أخذ ربّك جلّ سلطانه «من بني آدم» أي «من ظهورهم ذرّیّتهم»، فأخرجها من أصلاب آبائهم نطفاً، فجعلها في قرار مکین من أرحام أمّهاتهم. ثمّ جعل

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

النطف علقاً، ثم مضغاً، ثم عظاماً ثم كسا العظام لحماً، ثم أنشأ كلّاً منهم خلقاً سويّا قويّاً في أحسن تقويم، سميعاً بصيراً ناطقاً عاقلاً مفكّراً... فيدرك بها آلاء الله في ملكوته و آيات صنعه جلّ و علا... و بذلك وجب أن يكونوا على بيّنة قاطعة بربوبيّته، مانعة عن الجحود بوحدانيّته. فكأنّه تبارك و تعالى إذ خلقهم على هذه الكيفيّة، قرّرهم «و أشهدهم على أنفسهم»، فقال لهم: «ألست بربّكم» و كأنّهم «قالوا بلى شهدنا» على أنفسنا لك بالربوبيّة... هذا كلّه من مرامي الآية الكريمة و إنّما جاءت على سبيل التمثيل و التصوير، تقريباً للأذهان إلى الإيمان و تفنّناً في البيان و البرهان. (۴: ص ۳ و ۴)

و یادکن، ای پیامبر! برای مردم که آنان با زبان حال تکوینی خود، با خدا پیمان بستند که ایمان آورند و به ربوبیّت او شهادت دهند. و آن «زمان که خداوندگارت اخذ کرد» یعنی آنگاه که اخذ کرد خداوندگارت «از بنی آدم» یعنی «از پشت بنی‌آدم ذرّیهٔ آنها را»؛ بدین سان که آنان را از اصلاب پدرانشان به صورت نطفه بیرون آورد و در قرارگاهی مکین ـ که ارحام مادرانشان باشد ـ قرار داد. سپس نطفه‌ها را به علقه و علقه را به مضغه و بعد به استخوان تبدیل کرد. آنگاه آنها را گوشت پوشاند و بعد هر یک از آنها را خلقی کامل، قوی و در بهترین تنظیم قرار داد. آنها را شنوا، بینا، ناطق، عاقل و متفکّر... کرد. و به واسطهٔ قوای ادارکی که به آنها داد، نعمتهای ملکوتی و آیات صنع الاهی را در اطراف خود درک می‌کنند... و به سبب این ادراک، باید با دلیل، به ربوبیّت خداوند، قاطع باشند و از انکار توحیدش امتناع ورزند.

پس گویی خداوند متعال، آنگاه که آنان را به این کیفیّت آفرید، برای آنان تقریر و تثبیت کرد «و آنان را بر خودشان گواه گرفت» و گفت: «آیا من خداوندگارتان نیستم» و گویا آنها گفتند: «آری، ما گواهی می‌دهیم» بر نفس خویش برایت به ربوبیّت... مقصود آیهٔ کریمه، همین است که ذکر شد. آیه بر سبیل تمثیل و تصویر برای تقریب به ذهنها برای ایمان، آمده است و نحوه‌ای از بیان و برهان است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

از نظر مرحوم شرف‌الدین، آیهٔ شریفه هیچ‌گونه دلالتی بر عهد و میثاق نبوّت پیامبرﷺ و ولایت و امامت امامان معصومعلیهم‌السلام ندارد. البتّه بدون در نظر گرفتن روایات مربوط به این آیه، نظریّهٔ وی صحیح است؛ زیرا آیهٔ شریفه در مورد میثاق بر نبوت پیامبرﷺ و ولایت و امامت امامان معصومعلیهم‌السلام ساکت است؛ ولی در روایات، این دو میثاق نیز به دنبال میثاق ربوبیّت و توحید، در تفسیر آیهٔ شریفه ذکر شده و امامان معصومعلیهم‌السلام تأکید کرده‌اند که در عالم ذرّ، بر نبوّت پیامبرعلیهم‌السلام و امامت امامان اهل بیتعلیهم‌السلام نیز عهد و پیمان گرفته شده است. مرحوم شرف‌الدین ضمن رعایت کمال احترام و ادب نسبت به این روایات و قول به صحّت و مطابقت مضمونشان با حقّ، آنها را توجیه می‌کند. توجیه این روایات نیز عیناً همان تأویل و توجیهی است که نسبت به میثاق ربوبیّت و توحید در آیهٔ شریفه ارائه کرده بود. ایشان می‌نویسد:

أمّا أخذ الميثاق هنا لرسول الله بالنبوّة و لأوصيائه الاثنا عشر بالإمامة، فإنّما هو على حدّ ما ذكرناه من أخذ الميثاق لله عزّوجلّ بالربوبيّة، فإنّه ـ و له الحمد و المجد ـ أقام على نبوّة نبيّنا و إمامة أئمّتنا من الأدلة القاطعة و البراهين الساطعة و الآيات و البيّنات و الحجج البالغة المتظاهرة ما لا يتسنّى جحوده و لاتتأتّى المكابرة فيه.

اخذ میثاق در عالم ذرّ بر نبوّت رسول خداﷺ و امامت اوصیای دوازده‌گانه‌اشعلیهم‌السلام به همان معناست که دربارهٔ اخذ میثاق بر ربوبیّت خداوند متعال گفتیم. زیرا خداوند متعال ـ که حمد و عظمت مخصوص اوست ـ بر نبوّت پیامبرﷺ و امامت امامان ماعلیهم‌السلام ادلّه‌ای قاطع، براهینی آشکار، آیات، شواهد و حجّتهای کامل و ظاهر اقامه کرده است که انکار آنها به هیچ وجه، ممکن نیست و معارضه با آنها از هیچ کسی برنمی‌آید.

ایشان خضوع انسانها در مقابل پیامبر و امامانعلیهم‌السلام و بیان مناقب و فضایل ایشان را دلیل و شاهدی بر این مطلب آورده است. (۴: ص ۹)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

دربارهٔ این سخن باید گفت که در وجود حجّت قطعی بر ربوبیّت خداوند سبحانه و نبوّت و ولایت پیامبر خاتم و اوصیای آن بزرگوار، هیچ شکّ و شبهه‌ای نیست؛ ولی بحث در این است که آیا آیهٔ مبارکه و روایات معصومان علیهم‌السلام دربارهٔ عالم عهد و میثاق نیز تنها به همین مطلب اشاره دارند و با زبان تمثیل و رمز صحبت گفته‌اند یا اینکه به بیان واقعیت دیگری نیز پرداخته‌اند.

دلالت روشن آیه و روایات عالم ذرّ، پیش از این تبیین گردید و معلوم شد که عالم ذرّ، عالمی حقیقی و واقعی است. انسانها در آنجا به صورت کامل ـ با تمام جهات لازم برای دریافت معرفت ـ موجود بوده‌اند و پس از دریافت معرفت، مورد امتحان و تکلیف قرار گرفته‌اند.

۴. شیخ مجتبی قزوینی (م ۱۳۷۹هـق)

ایشان نیز همچون استاد خویش (مرحوم میرزا مهدی اصفهانی) عقیده دارد که انسان پیش از این دنیا دو عالم «ارواح» و «ذرّ» را پشت سر گذاشته است. او می‌نویسد:

> *اصل دومی که از آیات شریفهٔ قرآن و روایات، مستفاد می‌باشد و معاد قرآن مجید بر آن استوار می‌گردد، این است که انسانِ موجود در این عالم ـ که ابتدای آن نطفه است و بعد علقه و مضغه و طفل و جوان و پیر می‌شود و می‌میرد ـ در عالمی قبل از این عالم خلق شده. خداوند متعال، قبل از این عالم، هر انسانی را به وجود ذرّی خلق فرموده وروح و عقل به او کرامت فرموده و او را مکلّف ساخته است. و همان طوری که در این عالم دارای بدن و روح و عقل می‌باشد، در عالم قبل نیز دارا بوده... نام عالم قبلی عالم ذرّ است؛ زیرا که مردم به وجودهای ذرّی خلق شدند. چون خداوند متعال حضرت آدم را آفرید، بعضی از این ذرّات را در صلب وی قرار داد، و بعضی را در هوا نگاه داشت تا زمانی که مقدّر فرموده که در این جهان بیاید [و] به ضمیمهٔ غذا یا هوا داخل صلب پدرش و به صورت نطفه داخل رحم مادر گردد... وجود عالم ذرّ، از آیات و روایات*

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

زیادی استفاده شده... و به اندازه‌ای اخبار در این باب زیاد است که نتوان صدور روایات را انکار کرد. (۵: ص ۵۰۳ـ۵۰۴)

سپس در باب عالم ذرّ روایاتی می‌آورد و یادآوری می‌کند که بر اساس روایات، انسان مخلوق در عالم ذرّ، دارای سه جهت بوده است: اوّل: جهت نور که از آن به عقل و نور تعبیر شده است. دوم: جهت روح. سوم: جهت طینت و ابدان ذرّیّه.

وی تأکید می‌کند که روح انسان، به هیچ وجه ـ به معنایی که فلاسفه گفته‌اند ـ مجرّد نیست؛ بلکه روح مؤمن از طینت علّیّین یا اعلا علّیّین خلق شده است. تنها تفاوت بین نظر ایشان و نظریّهٔ میرزای اصفهانی این است که از نظر ایشان، برخی از ذرّات به صلب آدم نیامدند، بلکه در هوا ماندند؛ در حالی که از دیدگاه میرزای اصفهانی، همهٔ انسانهای ذرّی در اصلاب و ارحام جاری می‌شوند. ایشان پس از این می‌نویسد:

و نیز معلوم شد مخلوق سابق، در عالم ذرّ منحصر به طینت و بدن نبوده، بلکه انسان در عالم ذرّ مرکّباً از روح و بدن و عقل خلق شده، به صورت ذرّی. بالجمله موجود در این عالم، همان انسان است که به صورت ذرّی مرکب از روح و عقل و طینت در عالم ذرّ و قبل از عالم رَحِم و نطفه، به هزاران سال خلق شده است. (همان: ص ۵۰۹ـ۵۱۰)

او در جای دیگر، به طرح و بررسی شبهات عالم ذرّ و پاسخگویی به آنها می‌پردازد و در پاسخ به شبههٔ تناسخ می‌نویسد:

تناسخ در صورتی لازم آید که ما روح را مجرّد و ابدان دنیویّه را غیر از ابدان ذرّیه بدانیم؛ ولی ما در مقام خود ثابت کرده‌ایم که روح انسان، مجرّد به معنای اصطلاحی حکما نیست و ابدان دنیویّه عین همان ابدان ذرّیه می‌باشد که به وسیلهٔ غذا یا امور دیگر، داخل نطفهٔ پدر یا رحم مادر شده و به توسط اغذیهٔ دنیا نموّ و طیّ مراحل می‌کنند. (همان: ص ۵۱۳ـ۵۱۴)

مرحوم قزوینی در ادامهٔ بحث، روایات مربوط به خلقت حضرت آدم علیه‌السلام را طرح می‌کند و سپس به مناسبت، به بحث در باب ذرّیّهٔ آن حضرت می‌پردازد و احتمال

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

خلقت ابتدایی برخی از ذرّیّه را منتفی نمی‌داند. ایشان در این باره می‌نویسد:

در این روایات، به نکات دقیقی اشاره شده [که] به بعضی از آن اشاره می‌کنیم: اوّل آن که موجودات ذرّی، یک قسمت ذرّاتی باشند که از صلب آدم منتقل به اصلاب و ارحام گردند و قسمتی هم در هوا منتشر بودند [که] به توسّط اغذیه، وارد در اصلاب و ارحام گردند و قسمتی هم ممکن است که ابتدائاً خدا خلق نماید...

چهارم آنکه موجودات قدیمه داری روح قدیم می‌باشند؛ به توسّط آن روح از عالمی به عالم دیگر و از صلبی به صلب دیگر منتقل گردند. و روحی که در رحم پس از چهار ماه دمیده شود، روح الحیات و روح العقل است. معلوم می‌شود که وجودات ذرّی، دارای روح بودند و در عالم ذرّ، به آنها عقل و امری که شایستهٔ تکلیف باشد، عنایت شده، سپس علم و عقل را از آنان گرفته... و در این عالم مجدّداً به انسان اعطای عقل و شعور فرموده. این مطلب با اینکه عقل مصحّح تکلیف در پانزده سالگی داده شود و قبل از تکمیل عقل، در جهل باشند، تنافی ندارد؛ زیرا که مراتب عقل و ادراک و شعور، مختلف است و اوّل مرتبهٔ آن روح الحیاة است که در رحم عنایت گردد. (همان: ص ۵۲۳ـ۵۲۴)

۵. علّامه عبدالحسین امینی (م ۱۳۹۰ هـ‌ش)

بنابر قول مرحوم شیخ آقا بزرگ، علّامهٔ امینی رساله‌ای در تفسیر آیهٔ ذرّ دارد. این رساله با مقدّمه‌ای علمی شروع می‌شود. ایشان با ۱۹ آیه و ۱۳۰ حدیث ـ که ۴۰ حدیث صحیح اصطلاحی است ـ عالم ذرّ را اثبات کرده و در نهایت، اقوال عالمان کامل و اشعار عارفان ادیب را در این مورد آورده است. (۲: ج ۴، ص ۳۲۳)

ایشان کتاب دیگری به نام «المقاصد العلیّة في المطالب السنیّة» دارد که در مطلب سوم از جلد اوّل آن به اثبات عالم ذرّ پرداخته است. در این کتاب نیز ۱۹ آیه ذکر می‌کند که همهٔ آنها در الذریعة، آمده است. سپس صاحب الذریعة می‌گوید: ۶۰ حدیث در ذیل این آیات وارد شده است؛ در حالی که شیخ حرّ عاملی احادیث مربوط به عالم ذرّ را متجاوز از هزار حدیث می‌داند. علّامه امینی در این کتاب ۱۵۰

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

حدیث ذکر کرده که سند ۴۰ حدیث از میان آنها ـ به اصطلاح متأخّران ـ صحیح است. ایشان در این کتاب نیز پس از نقل آیات و روایات به نقل اقوال و اشعار پرداخته است. (۲: ج ۲۱، ص ۳۸۲ـ۳۸۳)

فهرست منابع

۱. اصفهانی، میرزامهدی. **معارف القرآن.** نسخه خطی کتابخانه شخصی مرحوم شیخ علی‌اکبر صدرزاده.

۲. تهرانی، آقابزرگ. **الذریعة الی تصانیف الشیعة.** قم: اسماعیلیان، ۱۳۳۲ ش.

۳. خویی، حبیب‌الله. **منهاج البراعة في شرح نهج‌البلاغة.** تهران: اسلامیه، ۱۳۸۶ ق.

۴. شرف‌الدین، سیّد عبدالحسین. **فلسفه المیثاق و الولایة.** قم: دارالکتاب.

۵. قزوینی، مجتبی. **بیان الفراقان.** تهران: ۱۳۷۰ ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]